

جلوه‌های عرفانی حماسی سرداران شهید نامی استان اصفهان

زیبا صالحی مورکانی^۱، محمود فضیلت^۲

چکیده

جایگاه والای شهدا و لزوم زنده نگه داشتن نام و خاطره و حماسه رزمندگان در اذهان و تاریخ ملی، نگارندگان را متعهد نمود تا این قهرمانان مقاومت و مبارزه را که برای حفظ استقلال و امنیت کشور و صیانت از ارزش‌های دینی و ملی و میهنی به پا خاستند و با تکیه بر ایمان و اعتقادات راستین حماسه‌هایی از عشق و عرفان و ایثار و غیرت و شجاعت آفریدند به مردم و به‌ویژه به آیندگان بشناساند. با این انگیزه به معرفی چند تن از سرداران شهید نامدار جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به‌عنوان الگو و اسوه پرداخته شد و کیفیت زندگی و جلوه‌های عرفانی حماسی و توانایی‌های مدیریتی آن‌ها همراه با مفاهیم عرفان در اسلام تبیین و تحلیل گردید. به دلیل رسالتی که در زمینه هدایت و رشد ارزش‌های متعالی اخلاقی و آرمان‌سازی عقیدتی جوانان احساس می‌شود درک و شناخت نسبت به مبانی اعتقادی این دلاور مردان می‌تواند تأثیر مثبت و سازنده‌ای در تکوین ارزش‌های فکری و همزاد پنداری و همگرایی با شهدا ایفا نماید و مانع از کج‌روی‌ها و انحرافات احتمالی نسل جدید به‌واسطه تقلید کورکورانه از ظواهر غرب و آثار سوء فضای مجازی گردد.

واژگان کلیدی

حماسه، دفاع مقدس، شهید، عرفان.

❖ مقدمه

مقاومت و پایداری ملت‌ها در مقابله با نیروهای متجاوز از خصایل ذاتی انسان بوده و سابقه‌ای به قدمت تاریخ دارد. ایثار و شهامت و جانفشانی حماسه‌آفرینان جنگ تحمیلی عراق با ایران و هشت سال دفاع مقدس مؤید این مسئله است. با در نظر گرفتن موقعیت کشورمان در این مقطع تاریخی شاهدیم میهن عزیزمان از یک طرف در محاصره تحریم‌های اقتصادی ابرقدرت‌ها قرار گرفته و از طرفی مورد هجوم‌های فرهنگی جمعی مفسده‌جو و فشارهای سیاسی قرار دارد؛ و آنچه مزید بر این عوامل است تأثیر مخرب فضای مجازی و همچنین تلاش‌های مذبوحانه قشری وطن‌فروش و بی‌اعتقاد که در بی‌محتوا ساختن نهادهای مذهبی و بی‌ارزش نمودن مقدسات مردم و به‌خصوص جوانان است که سعی دارند با ایجاد یک نوع سردرگمی و یاس، بی‌اعتنایی به اصول اخلاقی و عدم پایبندی به مبانی دینی را در آن‌ها موجب شوند! ندا شتن پایه‌های اعتقادی در ست و تأثیر سوء افسارگسیخته فضای مجازی منجر به نوعی نهیلیسم «مخالف یا منکر همه‌چیز» و بی‌هویتی در جوانان می‌گردد. در راستای هدایت نسل نو و آشنایی آن‌ها با مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی نظیر اخلاق، ایمان، غیرت، شجاعت، احترام، پایداری و ... که از خصوصیات ویژه شهدا و جانبازان و به‌طور اعم رزمندگان دفاع مقدس است شمه‌ای، از ارزش‌های اخلاقی و عرفانی و حماسه‌سازی‌های شگفت‌تعدادی از سرداران افتخارآفرین استان اصفهان در این مقاله به تصویر کشیده شده تا شاید بتوان در حد امکان به کمک مستندات، منش و سلوک والای این دلیرمردان میهن را به جوانان امروز و پیامد آن به نسل فردا انتقال داد. انجام این مهم، از طریق توانمندسازی برنامه‌های فرهنگی در همه ابعاد و سطوح و نیز مدیریت در فضای مجازی با نگرشی نو و داهیان و دور از تنگ‌نظری، به کمک اساتید و متخصصان مربوطه می‌تواند شناخت بسزایی از ارزش‌های انقلابی را موجب گردد و به ساخت هویت و شاکله برتر نسل جوان بیانجامد.

پیشینه پژوهش

رساله‌های متعددی در زمینه مسائل مربوط به جنگ تحمیلی بررسی شد و تعدادی هم راجع به مفاهیم شهید و شهادت و مباحث عرفانی از جمله: جلوه‌های حماسی و عرفانی عاشورا در شعر دفاع مقدس از جعفرنیا، (۱۳۸۹) که مطالب پیرامون واقعه عاشورا و حوادث آن و بررسی اشعار آیینی در یک دهه بود. بازتاب جنگ تحمیلی در ادبیات ایران، پژوهشگر، ملک‌پور، ابراهیم، (۱۳۸۰) این رساله پیرامون حوادث کربلا و اسارت و شهادت یاران امام حسین (ع) بود — و جنگ ایران و عراق و شعارهای مربوطه را شامل می‌شد. رساله دیدگاه شهید مطهری در مورد شهید و شهادت، مستندات قرآنی آن.

تحقیق سلطانیان، زهرا (۱۳۸۲) بحث راجع به شهید و شهادت امامان و عالمان دینی و شهادی صدر اسلام — تفسیر شهید مطهری در رابطه با شهادت. نقش معنویت در جهاد از نگاه آیات و روایات با تکیه بر دفاع مقدس، پژوهشگر: محمودی، عبدالمحمود، (۱۳۸۹) راجع به: معنویت در اسلام و موانع رشد معنویت — ارتباط معنویت با انبیاء الهی راجع به فلسفه جهاد و تقدس جهاد بود.

چندین رساله دیگر هم مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت که مشتمل بر مراحل سیر و سلوک و عقاید عرفا و فقیهان بود. هیچ کدام از مقالات مذکور با مقاله اینجانب از نظر محوریت موضوع و اهداف تحقیق همسان نبودند.

سؤال‌های پژوهش

۱. آیا در زندگی و آثار سرداران نامی اصفهان در دفاع مقدس جنبه‌های عرفانی حماسی وجود دارد؟
۲. جنبه‌های اخلاقی و معنوی این شخصیت‌ها چقدر در پیشبرد اهداف دفاع مقدس مؤثر بوده است؟
۳. خصلت‌های عرفانی و حماسی سرداران شاخص و اسوه به چه میزان در آثار ادبی پایداری بازتاب پیدا کرده است؟

❖ روش پژوهش

روش پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی با رویکرد نظریه محور است و در جهت دستیابی به نتایج علمی و تعالی و توسعه و غنای ادبیات دفاع مقدس، به منظور رسیدن به اهداف آرمانی و فراملی است. با استفاده از کتابخانه و مطالعه کتب متعددی راجع به زندگینامه شهدا و نویسندگان و راویان با دیدگاه‌های متفاوت، سعی به جمع‌آوری اهم مطالب به جهت شناسایی هر چه بهتر تعدادی سردار نام‌آور شهید گردیده و با بررسی منابع مهم عرفانی، مراتب منطبق با خصوصیات شهدا انتخاب شد. نگارش مفاهیم، با رویکردی، کیفیت نگر و با نگاهی عرفانی، حماسی توأم بوده و به دلیل پیوستگی و عجین بودن دین اسلام با ادبیات پایداری، نگاهی شخصیت محور (امام حسین (ع)، امام خمینی (ره)، شهدای معروف و شاخص محور (قرآن، شهادت، عاشورا و ..) دنبال شده است.

آگاهی و شناخت علمی و جامع نسل حاضر و نسل‌های آینده در مورد سیره معنوی و نحوه زندگی شهدا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آشنایی با سلوک و رفتار و اخلاق و حماسه‌سازی‌های شهدا در دفاع مقدس و در مقابله با دشمن مهم و قابل توجه است به‌ویژه که این صفات متعالی نشأت گرفته از عرفان شیعی و دارای جنبه‌های زیباشناختی و منزلت بسیار است. اگر جامعه ما از دوران قبل تحت تأثیر ارزش‌های منحط و مبتذل غرب بوده و مظاهر زندگی نظیر دارائی و مال و منال باعث فخر و مباهات می‌شده است امروز باید دانایی و علم و تقوا و نو دوستی و بخشش و احترام و ... و ارزش‌های انسانی و اسلامی موجب تفاخر و عزت و افتخار ما باشد. به دلیل پیوستگی و عجین بودن دین و عرفان اسلامی با ادبیات پایداری، گلچینی از مفاهیم عرفانی فراهم گردیده است.

مفهوم عرفان و عرفان اسلامی

عرفان، نوعی روش حصول به حقیقت است از طریق شهود و تجربه درونی و حال که نشانه‌های آن در مکاتب مختلف جهان اعم از عقاید برهمن، بودائی، رواقیان میترائیسم و مسلمانان و زرتشت و افلاطونیان و... حتی سرخپوستان امریکا به چشم می‌خورد مصادق حقیقت در عرفان الهی وجود خداست و عرفان شناختی حقیقت گرایانه فراتر از واقع‌گرایی

حسی، عقلی و آرمان‌گرایی تصویری است و از این رو با رازگونگی و غیب باوری آمیخته از عشق و ذوق و اشراق همراه است. عرفان اسلامی یکی از ریشه‌های فلسفی اشراقی است و احیاگر این فلسفه، شیخ شهاب‌الدین یحیی ابن امیرک سهروردی معروف به شیخ اشراق است (وفات، ۵۸۷ ق)

عرفان عملی و عرفان نظری

مراد از عرفان عملی آن بخش از عرفان اسلامی است که بر انجام معاملات خاص شامل عبادات و رسوم استوار است و موجب تزکیه نفس می‌شود و عرفان نظری گونه‌ای از عرفان اسلامی است که تنها به طرح مسائل علمی و نظری می‌پردازد و سیر نظری عرفان اسلامی به سه دوره: زاهدانه، عابدانه و عاشقانه منسوب است؛ و در نتیجه عرفان اسلامی مبتنی بر دو قوه نظری و عملی است که این دو قوه با هم تعامل و تأثیر دارند. (میرباقری فرد، ۱۳۹۱)

واقعیت عرفان و عارفان

ابن سینا واقعیت عرفان را به صورت یک سند اساسی مطرح کرده می‌گوید: در واقع عارفان دارای مقامات و درجاتی می‌باشند که اختصاص به آنان دارد و تنها ایشان‌اند که در زندگی دنیوی خود به آن مقامات دست می‌یابند و نه دیگران.

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند و آنکه این کار ندانست در انکار بماند

(حافظ)

غزالی پس از سلوک عرفانی اقدامش را به تألیف چنین توصیه می‌کند: اما اکنون مردم را به دانشی فرامی‌خوانم که جاه و مقام ظاهری را در نظر ما ناچیز می‌سازد و مردم را از شیفتگی به آن‌ها نجات می‌بخشد و خدا از این قصد و نیت من آگاه است می‌خواهم که خود و دیگران را اصلاح کنم و نمی‌دانم که توفیق چنین کاری را خواهم یافت یا در آرزوی آن خواهم مرد. (غزالی، ۹۳).

❖ **علل رازداری عارفان**

اینکه عارفان افشای سر الهی را نهی می‌کنند دلایلی دارد: ۱. راز بودن ۲. غیرت (خداوند بر محبت خویش بر حالات اعطایی بر عارفان و بر راز خویش غیرت دارد) ۳. خلوص ۴. اقتضای حال و مقام: در نزد عرفا دو کلام به ظاهر متضاد مشهور است من عرف الله کل لسانه (هرکه خدا را شناخت زبانش بند آمد). من عرف الله طال لسانه (هرکه خدا را شناخت پر گو شد) که در یکی اقتضای حال و وقت و مقام سکوت باشد و دیگر بیان است.

من ز شیرینی نشینم رو ترش
من ز پری سخن باشم خمش
(مولوی)

۵. حفظ نظام اجتماع ثمره دیگر رازداری عارفان است؛ ۶. جلوگیری از لغزش دیگران (دلایل دیگر رازداری عارفان سوءبرداشت یا به انحراف افتادن دیگران در نیافتن مقصود ایشان است)؛ ۷. تقیه: جلوگیری از برخوردهایی از سنخ تکفیر، تعزیر و... که بر امثال حلاج و عین القضاة از جانب اهل ظاهر رفت. (رحیمیان، ۱۳۹۵)

حماسه

حماسه را شجاعت و دلیری و نبرد معنی کرده‌اند و عده‌ای آن را تجلی اندیشه‌های آرمانی انسان می‌دانند. حماسه در فرهنگ اسلامی سیر معنایی متفاوتی با فرهنگ یونان و اروپا دارد و از جمله واژه‌هایی است که از زبان عربی وارد فارسی شده است ولی تطور معنایی آن در زبان فارسی با زبان عربی متفاوت است آثار ادبی که در زبان فارسی که حماسه خوانده می‌شود و عربی نامیده می‌شود در زبان فارسی به آثار برجسته و مبین آرمان‌های باشکوه حماسه اطلاق می‌شود در فرانسه به منظومه پهلوانی و Poesiepique و در انگلیسی به منظومه پهلوانی «Epic» می‌گویند و به معنی دلیری و سختی درکار است و در لغت «Epic» تمامی موضوع حماسه و گسترده پیرامون و روابط آن نهفته است. حماسه در مفهوم عام خود فراتر از توصیف صحنه‌های قهرمانی و کارزار و رزم است و اینجاست که حماسه با عناصر فرهنگ و آرمان‌ها و اسطوره‌ها پیوند می‌خورد. لازمه یک حماسه تنها جنگ و خون‌ریزی نیست بلکه در عین توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های هر قوم نماینده آرا و عقاید و تمدن آن نیز باید باشد.

مقامات

از مهم‌ترین دام‌های سیر به سوی کمال معنوی در مراحل سیر و سلوک تزکیه نفس است که طی هفت مرحله که به مقام تعبیر می‌شود، صورت می‌گیرد.

توبه

اولین مقام توبه است و حق تعالی فرمودند «ان الله يحب التوابين ويحب المطهرين» (سوره بقره، آیه ۲۲۲)، همانا خداوند آنان را که پيوسته به درگاه توبه به و اتابه کنند و هم پاکیزگان دور از هر آلايشی را دوست می‌دارد و نیز در آیه ۳۱ نور می‌فرماید ای اهل ایمان همه به درگاه خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید. رسول اکرم (ص) فرمودند: نزد خدا چیزی دوست‌داشتنی‌تر از جوان تائب نیست (مشکات الانوار فی غرر الاخبار، ج: ۱، ۲۱۱)

ورع و زهد

ورع عبارت است از دوری سالک از ستمگری‌های مردم، به حدی که کسی را بر او دعوی نباشد و آن آغاز زهد است و زهد به معنای بی‌رغبتی به امور دنیوی است و عبارت از مذمت دنیاست و زهد در حرام واجب و در حلال فضیلت است.

فقر

منظور از فقیر در عرفان کسی است که به مسائل مادی رغبت ندارد به جهت بی‌اعتنایی به دنیا که لازمه سیر و سلوک و استقبال به پروردگار است. تا آنچه غیر خداست حجاب نگردد و این «فقر» در حقیقت شعبه‌ای از زهد است و خداوند فرموده است: یا ایها الذین انتم الفقراء إلى الله، والله هو الغنی الحمید. (سوره فاطر، آیه ۱۵) ای مردم شما هم به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است.

صبر:

عبارت است از تحمل ناپسندیده‌ها و بلاها، بدون شکوه و اظهار بی‌نیازی با وجود نیازمندی؛ و اصبر و اما صبرک الا بالله (سوره نخل، آیه ۱۲۷) صبر بر دو نوع است: صبر بر آنچه خدا بدان امر کرده است و صبر از آنچه آن خدا نهی کرد. و خداوند فرمود: انما یوفی الصابرون أجرهم بغير حساب (سوره زمر، آیه ۱۰) خدا صابران را به قد کامل و بدون حساب پاداش خواهد داد.

توکل

توکل یکی از مقامات عرفانی، به معنای اعتماد و امید تمام به خدا و قطع اعتماد و امید از مخلوقات یا اسباب و وسایط است. و علی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین. «..... و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید» (سوره مائده، آیه ۲۳) و در سوره اطلاق فرماید: «و من یتوکل علی الله فهو حسبه» (سوره طلاق، آیه ۳) هر که به خدا توکل کند. خدا او را کفایت خواهد کرد.

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافرست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش رضا عبارت است از آرام یافتن دل بنده بر احکام و دستورهای خدا و موافقت او به آنچه وی برای (و اختیار کرده است و حق تعالی فرمود: رضی الله عنهم و رضوا عنه (خدا از آن‌ها خوشنود و آن‌ها هم از خدا خوشنودند) و هر عنوان عن الله اکبر، (سوره توبه، آیه ۷۲) و رضایت الهی از همه چیز برتر والاتر است.

احوال

جمع حال است و آن وادی غیبی است که بدون اختیار مالک بر دل او وارد شود و در او اثر و حالتی به وجود می‌آورد و بعد بدون اراده او از وجودش خارج شود چون خوف و رجاء.

خوف

عبارت از ترس از عذاب در دنیا و آخرت، و آن در آغاز پناه بردن از همه است و در انجام پناه دادن خود در سایه خداست: یدعون ربهم خوفاً (سوره سجده، آیه ۱۶)

غزالی خوف و رجاء را جزء مقامات آورده و بعضی دیگر جزء احوال شمره‌اند و اما خوف و حزن سالکان بی‌فایده نیست و موجب تلاش در کسب خیر است. و مبادرت به سلوک راه کمال است «فویل للقاسیة قُلُوبُهُمْ من ذکر الله اولئک فی ضلال مبین (سوره زمره، آیه ۲۲) پس وای بر انسان‌های که قلب آن‌ها سخت گشته و یاد خدا نمی‌کنند. آنان در گمراهی آشکار بسر می‌برند.

رجاء

عبارت است از تعلق دل به محبوبی به امید رحمت بی‌واسعه خدا، رجاء زمینه خوش‌گمانی به مغفرت و عفو الهی و اعتماد به رحمت پروردگار است چنانکه خداوند می‌فرماید: «اولئک یرجون رحمہ الله» (سوره بقره، آیه ۲۱۸) آنان امید به رحمت الهی دارند و خداوند در آیه ۵۳ سوره زمر می‌فرماید: لا تقنطوا من رحمہ الله، از رحمت الهی ناامید نباشید چراکه رجاء باعث ترقی در درجات کمال و موجب سرعت مسیر در طریق مطلوب است.

یقین

یقین مکاشفه است و خشنودی بنده بدان چه خدا او را قسمت کرده و پایه همه احوال اوست و پایان آن‌هاست؛ و خداوند می‌فرماید: «و بالآخرہ ہم یوقنون»، آنان به آخرت یقین دارند یقین مراتبی دارد که در قرآن کریم به علم‌الیقین و اعین‌الیقین و «لاحق‌الیقین» تعبیر شده است چون دیدن نور آتش، جرم آتش و تأثیر آن‌که در هر چه بیفتد هویت آن‌ها از می‌برد.

دفاع مقدس

جنگ هشت ساله عراق با ایران نمایانگر با شکوه‌ترین حماسه‌های پایداری و مقاومت دلیرترین مردان روزگار است، از نوجوان سیزده ساله گرفته تا جوانان و پیرمردان، همه دلیرانه جنگیدند و اسیر و جانباز و مفقود الاثر و شهید شدند و با خون خود تمامیت ارضی را به ملت ایران هدیه دادند.

جنگ تحمیلی عراق بر ایران که در بسیاری از منابع عربی و بعضی منابع غربی از آن با عنوان جنگ خلیج فارس نام می‌برند و در عراق با نام قادسیه صدام یاد می‌شده طولانی‌ترین

جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که هشت سال طول کشید (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد) و پس از به جا گذاردن حدود یک میلیون تلفات به دو کشور خاتمه یافت. خاطرات به جا مانده رزمندگان مملو از ایثار، شهادت، از خود گذشتگی و مقاومت و ایستادگی قهرمانانه آن‌ها در پرتو بروز حالات و مقامات عرفانی نظیر، ذکر، عبادت، زهد، صبر و توکل و رضا و عشق به شهادت منجر به خلق حماسه‌هایی جاوید در طول دفاع مقدس گردید.

حضرت امام خمینی (ره) در مورد رزمندگان دفاع مقدس فرمودند: «در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش در طول زمان و سراسر خلقت سربازانی چنین فداکارانی مانند ایران را سراغ دارید جز در طبقه اولیای الهی و تربیت شدگان در مکتب آنان...» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۸: ۳۳۳).

قرآن در سوره بقره آیه ۲۴۴ می‌فرماید: «و قاتلوا فی سبیل الله و اعلموا ان الله سمیع علیم» جهاد کنید در راه خدا و بدانید که خدا به گفتار و کردار خلق شنوا و داناست. همانا جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خداوند آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۷).

در کتاب‌های «قلب لشکر ششم» و «مانور پائیزه» نویسنده «کوت لیک» با گزارش‌هایی مستند به تصویرگری جنگ‌های اول و دوم جهانی می‌پردازد و در تحلیل نهایی جنگ از آن به‌عنوان نمادی که نهایت خودخواهی و درنده‌خویی انسان‌ها را عینی می‌سازد یاد می‌کند و موارد متعددی از خودکشی نظامیان مایوس شده و خیانت نظامیان برای زنده ماندن «جراحی‌های قلبی برای فرار از خطوط مقدم جبهه، دزدی از جیره غذایی، بنزین و ادوات زرهی نظامی و غارتگرانی که برای تکه‌ای نان افراد را می‌کشند و ...» یاد می‌کند. اما چه رازی در دفاع مقدس نهفته بود که دشمن حتی یا حمایت همه زمامداران مستکبر عالم نتوانست یک وجب از خاک ایران اسلامی را اشغال کند و به اهداف پلید خود نائل شود. جنگ زوایا و پیامدهای بسیاری دارد که برای همه روشن نشده بخصوص برای نسل‌های آینده که در زمان جنگ حضور نداشتند. کی از جلوه‌های پایداری عشق به وطن در سابه ایمان است که منجر به شهادت و

زندگی جاوید می‌شود در این رابطه حماسه بیش از ده‌ها تن از فرماندهان نامی تحقیق شده که در این مقاله، به معرفی سه تن از نام‌آورترین این قهرمانان ملی به‌اختصار بسنده می‌شود.

شهید

ریشه اصلی کلمه شهید از مشهده است و مشهد جای شهید است و شهید به معنی گواه و شاهد و حاضر است. خداوند در آیه ۱۶۹ سوره آل عمران به مقام شهید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أموتا بل أحياء عند ربهم یرزقون. البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند (به حیات ابدی و) در نزد خدا متنعم خواهند بود.

جوانان پرشور ایران با عشق الهی برای حفظ میهن و شرف و ناموس ملت رهسپار جبهه‌های حق علیه باطل شدند و در طول ۸ سال دفاع مقدس در میدان‌های جنگ با همان شور و اشتیاق خالصانه و در راه رضای خدا مردانه جنگیدند و در صحنه‌های مختلف از خط مقدم جبهه گرفته تا شرکت در گروه‌های تخریب و شناسایی و غواصی و ایثارگری‌ها نمودند و از جان خود یعنی گران‌بهاترین سرمایه زندگی گذشتند و حماسه‌ها آفریدند. رزمندگان دفاع مقدس در آثاری که از خود به یادگار گذاشته‌اند از جمله در یادداشت‌های به‌جامانده در سنگرها، وصیت‌نامه‌ها، دل‌نوشته‌ها و نامه‌ها، جلوه‌هایی از حالات عرفانی و حماسی و معنوی خود را نمایان نموده‌اند. چنانچه درخواست رسیدن به مقام شهادت بیش‌ترین خواسته آن‌ها از درگاه الهی بود و دیگر مناجات شبانه و ذکر و دعا و سوزوگداز آن‌ها با معبود و درخواست بخشش و آمرزش گناهان و تزکیه نفس آماره از هواهای نفسانی بود.

اعتقاد راسخ به دین اسلام و پایبندی به فرهنگ اسلامی و نیز الگوپذیری از مکتب عاشورا و حماسه امام حسین (ع) را مهم‌ترین انگیزه‌های حضور در جبهه و ایثارگری و جان‌فشانی رزمندگان علاوه بر اطاعت و تبعیت از رهبری امام خمینی (ره) باید دانست حالات عرفانی این مبارزان جنگ تحمیلی همانند یاران اباعبدالله (ع) بود همان شهامت شهادت‌طلبی - روحیه ایثارگری، عبادات قرائت، قرآن ذکر و نماز، شب راز و نیازهای عاشقانه به درگاه ایزد لایزال و آمادگی برای دفاع از کشور و رویارویی با دشمن بود. سرنوشت ما همان تقدیر ظهر کربلاست عشق می‌داند که ما را چیست آخر سرگذشت (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۴۲).

خاطرات بجای مانده از جبهه ها، صحنه‌های کربلا را تکرار نموده، از قطعه قطعه شدن و جدا شدن سرها و دست ها و پاها و برون ریختن امعاء و احشاء از بدن و آبیاری نمودن بستر زمین از خون پاکشان، در هم آمیختن ندای الله اکبر و ناله‌های حزین شهدا در آخرین نفسها، همه نمادی از صحنه‌های کربلا و حماسه‌ای با شکوه از رزم دلبرترین و شریف‌ترین رزمندگان در روی کره خاکی بلاجویان دشت کربلایی بود.

بلاجویان دشت کربلایی

کجایید ای شهیدان خدایی

پرنده تر ز مرغان هوایی

کجایید ای سبک روحان عاشق

(مولوی)

در شب عا شورا وقتی که حضرت زینت (ع) درباره یاران و هم‌زمان از برادر شان امام حسین (ع) پرسیدند. اباعبدالله (ع) در توصیفی شکوهمند و شگفت فرمودند: به خدا قسم آنان را آزموده‌ام آنان چون صخره‌های ستبر کوهستان‌اند بشکوه و استوار و نفوذ ناپذیر، آنان چنان شیفته و دل‌باخته شهادت‌اند که کودک شیفته مادر. (سنگری، ۱۳۹۲)

با مطالعه وصیت‌نامه شهدا به دو نکته اساسی برمی‌خوریم که شامل یک دسته از درخواست‌هایی می‌شود که اغلب مادی و دنیایی نیست و در رابطه با آرزوی شهادت و در زمره یاران اباعبدالله الحسین (ع) قرار گرفتن است و نوع دوم درخواست آن‌ها مربوط به مناجات‌هایی می‌شود که مملو از عواطفی عاشقانه و عارفانه است و شامل آرزوی طلب مغفرت و اظهار عجز و ناتوانی و کمک خواستن به داشتن استقامت و پایداری در برابر دشمن و سیر الی الله و عشق به معبود و لقای حق تعالی است. همچنان که عارفان نیز در مناجات‌های خود خواهان بهشت و مواهب آن نیستند و از رفتن به دوزخ هم باکی ندارند و نظر به مواهب و نعمات این دنیا هم نداشتند و هدفشان از ریاضت‌های بسیار و ذکر و گوشه‌نشینی و عزلت و گرسنگی و قناعت و مناجات و تزکیه نفس جز رسیدن به قرالهی و جلب رضایت معبود نبود، و شهدا هم مانند عرفا جلب محبت و رضای حق را بر رضای خود ترجیح می‌دادند.

خداوندا نظر بر جان ما کن
به عشق خویش ما را مبتلا دار

گذر بر کلبه احزان ما کن
خرد را مالک راه رضا دار

(عطار)

ملا محسن فیض کاشانی در کلمات مکنونه خود زیباترین حدیث را درباره شهادت آورده است. مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي، وَمَنْ وَجَدَنِي عَرَفَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي احْبَبَنِي وَ مَنْ احْبَبَنِي عَشَقَنِي وَ مَنْ عَشَقَنِي عَشَقْتُهُ وَ مَنْ لَعَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ وَ مَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلِي دَيْتُهُ وَ مَنْ عَلِي دَيْتُهُ فَاَنَا دَيْتُهُ. آن کس که مرا طلب کند، من را می یابد و آن کس که مرا یافت، من را می شناسد و آن کس که مرا شناخت، من را دوست می دارد و آن کس که مرا دوست داشت، به من عشق می ورزد و آن کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می ورزم و آن کس که به او عشق ورزیدم، او را می کشم و آن کس را که بکشم، خون بهای او بر من واجب است، پس من خودم خون‌بهایش می شوم.

با توجه به این حدیث شریف، خداوند می‌فرماید کسانی موفق به درک فیض شهادت می‌شوند که به خاطر این عشق آن‌ها را از میان بندگان خویش جدا نموده است و ارزش خون این شهیدان آن‌قدر بالاست که خداوند، خود خون‌بهای آنان خواهد بود.

در دل عطش عشق خدایی ما راست

دیوانه وصلیم و جدایی ما راست

هرچند در این جهان غریبیم همه

خود از سر غربت آشنایی ما راست. (قیصر امین پور)

حضرت امام خمینی (ره) درباره ارتشی‌ها و نیروهای بسیجی و سپاهی در بیانات خودشان فرمودند آن‌ها وقتی می‌خواهند به خط مقدم جبهه بروند انگار به حجله عروسی می‌روند و حتی صدر اسلام هم چنین وضعی را کمتر به خود دیده است و امام خمینی (ره) شهید حسین فهمیده نوجوان ۱۲ ساله را که با فدا کردن خود و انفجار نارنجک و پیشسواز شهادت رفتن موجب نابودی تانک دشمن شد به عنوان «رهبر» یاد کرد. شهادت در اسلام نوعی تاکتیک و حرب‌ای علیه دشمن و قیامی به جهت عشق و آگاهی است و رزمندگان شهید بر اساس اعتقادات نشأت گرفته از دین مبین اسلام و درس‌های آموخته از مکتب ابا عبدالله (ع) با روحیه

شهادت‌طلبی و با رمزهای عملیاتی، نظیر یا حسین(ع) یا زهرا(س) یا یا ابا عبدالله(ع) ادرکنی، کربلا... والفجر... به قلب دشمن می‌رفتند. تبعیت از امام خمینی (ره) که فرمودند در شهادت شکست، نیست شما یا پیروز می‌شوید یا شهید در هر دو جهت پیروزی با شماسی یکی از عوامل تقویت روحی و عزم راسخ شهیدان بود و آنان شهادت را راهی برای پیوستن به شهدای کربلا و پاک شدن از گناهان و هم‌نشینی با اولیاء خدا و رسیدن به کمال و سعادت جاودان و لقاءالله می‌دانستند.

شهیدان را به نوری ناب شوئیم
شهیدان همچو آب چشمه پاکند
درون چشمه مهتاب شوئیم
شگفتا آب را با آب شوئیم

(قصیر امین‌پور)



سردار شهید حسین خرازی

حسین خرازی در سال ۱۳۳۶ در خانواده‌ای مذهبی در یکی از محله‌های قدیمی شهر اصفهان بنام کوی کلم متولد شد. از همان کودکی آثار هوش و ذکاوت در وجود او هویدا بود به طوری که در انجام امور استعداد و نبوغ خاصی از خود نشان می‌داد. او پس از اخذ مدرک دیپلم به سربازی رفت اما با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ پیرو فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر فرار سربازان از پادگان‌ها به مردم پیوست و در کلیه فعالیت‌های انقلابی شرکت کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حسین با عضویت در کمیته دفاع شهری و دستگیری عناصر ساواک و حکومت نظامی نقش فعالی ایفا نمود و کمیته که بعداً سپاه پاسداران نام گرفت مسئولیت اداره آن به حسین واگذار شد. در اواخر ۱۳۵۸ که توطئه ضدانقلاب و نیروهای چپ در گنبد و ترکمن صحرا بالا گرفت از استان اصفهان حدود یک صد نفر از جمله

حسین به منطقه اعزام شدند و او به علت تسلط در استفاده از ادوات مختلف، فرماندهی درگیری با ضدانقلاب را بر عهده می‌گیرد و سپس کنترل راه‌های سنندج، کرمانشاه، سقز و مریوان به و سیله گردانی بنام ضربت انجام گرفت و به خاطر موفقیت در مأموریت‌های محوله شهرت گردان او در کردستان پیچید با گسترش درگیری، عراق با استفاده از ۱۲ لشکر و ده‌ها تیپ حملات زمینی با بمباران هوایی را آغاز کرد و بر این باور بودند که خوزستان را در مدت ۳-۷ روز تصرف خواهند کرد و با تمرکز به قوای خود خرمشهر را تصرف کردند و شمال آبادان را هم محاصره کرد. فرماندهی جبهه دارخوین از طرف سردار رحیم صفوی به دلیل موفقیت‌های حسین به او واگذار شد و او در خط مقدم جبهه «خط شیر» حملات عراقی‌ها را چندین مرتبه با شکست روبرو ساخت. حسین کانالی به طول ۱۷۵۰ متر احداث نمود که فاصله تا دشمن را به حداقل می‌رساند. (بنی لوحی، ۱۳۸۰)

جلوه‌های حماسی خرازی در دارخوین

حسین خرازی و یاران او در جبهه دارخوین در ۹ ماهه اول جنگ تقریباً با دستانی خالی در نهایت مظلومیت با تکیه بر رهنمودهای امام خمینی (ره) حضور قدرتمندانه خود را تداوم بخشیدند و این جبهه با فرماندهی حسین و حضور روحانی مجاهد مصطفی رذانی‌پور به بزرگترین کلاس درس خودباوری و خودسازی تبدیل شد و اسلام ناب محمدی (ص) و اعتقاد راستین در یک کلام «تفکر و فرهنگ بسیجی» را حسین با ایجاد فضای معنوی به وجود آورد. سنگرهای خط شیر، میعاد گاهی از عشق و دلدادگی و تبعیت از اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و عبادات و نماز شب با رزم‌های شبانه و پیشقدم بودن نگرهبانی در خط مقدم و دهها خصوصیت عرفانی و اعتقادی دیگر در میان نیروهای حسین به چشم می‌خورد. نماز شب خواندن مثل نماز جماعت شده بود حضور در چنین فضای معنوی و دور بودن از هر نوع معصیت از یاران حسین خط شکنانی ساخته بود که هیچ چیزی جلودار آن نبود. عملیات بزرگ بستان، فتح المبین و بیت‌المقدس نتیجه این سنگرنشینی خالصانه بود با انجام این عملیات فرمانده کل قوا هسته اصلی تیپ و سپس لشکر ۱۴ امام حسین (ع) شکل گرفت. (همان)

حصار آبادان و حماسه سازی حسین و یارانش

عراق در تاریخ ۶۰/۵/۲۸ نیمه شب به دارخوین حمله کرد و قسمتی از خط دفاعی را هم تصرف کرد اما حسین و یارانش موفق شدند با درگیری تن به تن دشمن را شکست داده و به عقب نشینی وادار نمایند به گونه ای که صدها نفر از سربازان دشمن کشته شده و جنازه ها در منطقه باقی ماند. این پیروزی باعث شد نیروهای تحت امر او عملیات ثامن الائمه را با هدف آزاد سازی آبادان با استفاده از مانور دور زن دشمن تحت تأثیر شخصیت حسین و ارزش های مکتبی و معنوی او با موفقیت و غنائم زیاد به اتمام برسانند (همان)

به جمع منتظران ای پیام آور فتح حضور یاد تو دیوار انتظار شکست (مردانی)

مدیریت خرازی

در عملیات فتح المبین فرماندهی لشکر امام حسین (ع) را بر عهده داشت. در طی عملیات های مختلف بارها مجروح شد. حدود سی بار ترکش توپ و خمپاره به او اصابت کرد ولی همیشه به محض بهبودی نسبی از تخت بیمارستان به سرعت راهی جبهه می شد از جمله در عملیات خبیر بشدت مجروح شد و دست راستش را تقدیم اسلام نمود. (بنی لوحی، ۱۳۸۰)

حماسه چزابه

کار در منطقه سابله به آنجا رسید که بیشتر فرماندهان، شهید و مجروح شدند و حسین به تنهایی در خط فرماندهی می کرد و بارها به جنگ تن به تن کشیده شد حسین در این شرایط سخت و فشار دشمن ناچار بود غم از دست دادن دوستان و بسیجی ها را نیز تحمل کند و زیر آتش سنگین دشمن مقاومت کند و بسیجیان مظلوم و گمنام الله اکبر گویان در آن سوی خاکریز به دشمن هجوم بردند و به خون نشستند و حماسه بزرگ چزابه را خلق کردند. خالد حسین النقیب یکی از فرماندهان عراقی که در چزابه حضور داشته در کتاب «حزب بعث و جنگ» می نویسد: ۴۸ ساعت بود که غذایی نخورده بودیم از فرط خستگی آرزو می کردیم به جای مرگ تدریجی یکبار برای همیشه از بین برویم گلوله های توپ با شدت به سمت ما پرتاب می شد اجساد کشته شدگان ما زمین را پوشانده بود و در رویارویی تپ های ما با نیروهای

ایرانی متجاوز از ۱۰ تیپ به‌طور کامل در جزایه تار و مار شدند. این همه نتیجه مقاومت و فرماندهی صحیح مرد بزرگی است که صدای او از بی‌سیم برای یاران اطمینان قلب و برای دشمن ترس و خود باختگی به همراه داشت (حسین النقیب، ۱۳۶۸).

فتح خرمشهر

سوم خردادماه ۱۳۶۱، یوم الله بود که امت مسلمان به آرزوی بزرگ خود رسید و بیش از ۱۵ هزار نفر نیروی عراقی در محاصره کامل رزمندگان اسلام قرار گرفتند در این معرکه بزرگ حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین (ع) اولین رزمنده‌ای بود که با جیب فرماندهی وارد خرمشهر شد و رزمندگان با شنیدن این خبر سجده شکر به جا آوردند.

ویژگی‌های اخلاقی و ابعاد معنوی خرازی

خرازی همیشه رزمندگان را به پرهیز از اسراف سفارش می‌کرد و خودش هم عامل به سخنانش بود تابع نظم بود و با بی‌انضباطی به شدت مخالفت می‌کرد و هیچ‌گاه از امکانات دولتی استفاده نمی‌کرد، متواضع بود و فردی باایمان و درعین حال عارف بود و نمازش توأم با گریه و شور و حال بود، اغلب اوقات با بچه‌ها به بحث دینی و عرفانی می‌پرداخت و آن‌ها را به مطالعه احکام دعوت می‌کرد و می‌گفت هرگز وقت را بیهوده تلف نکنید و خودش پیوسته مطالعه می‌کرد و روحیه‌ی بسیار قوی داشت هرگز نماز اول وقت را عمداً ترک نمی‌کرد.

شهادت

ساعت ۱۰ صبح روز جمع ۶۵/۱۲/۸ درحالی‌که دشمن بشدت مشغول اجرای آتش بود شهید خرازی از سنگر بیرون آمد و بچه‌ها قصد داشتند مانع او شوند ولی می‌دانستند که او نمی‌پذیرد و او بیرون آمد و ضمن مصافحه با پدر یک شهید، ناگهان بی‌صدا، قامت چون سروش سرنگون گشت بدین ترتیب هنوز ظهر نشده بود که با هزاران زخم بر سینه و دست‌وپا به سوی چشمه خورشید پرگشود. آن روز آسمان هم از این ماتم گریست حتی زمین سوخته جنوب هم شیون سر داد و یاران هم‌رزمش از این فاجعه فغان و ناله سر دادند.

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت
با زخم نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت

حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

(سید حسن حسینی)



سردار شهید احمد کاظمی

فاتح خرمشهر، دوم مرداد ۱۳۳۸ در نجف‌آباد اصفهان محله کوچه ملا در خانواده مذهبی به دنیا آمد با اوج‌گیری انقلاب به مبارزان پیوست و در تظاهرات علیه رژیم ستم شاهی همراه سه نفر از دوستانش توسط شهربانی نجف‌آباد دستگیر شد، پانزده روز زیر شکنجه طاقت آورد و چیزی نگفت تا آزاد شد و باز به علت مبارزه دوباره تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به اتفاق شهید محمد منتظری و دو نفر از دوستانش راهی سوریه شد و همراه گروه‌های فلسطینی آموزش‌های سخت چریکی را با موفقیت گذراند و قصد داشت وارد مبارزه علیه رژیم صهیونیستی شود اما حوادث کردستان او را مجبور به بازگشت کرد و در کردستان در کنار سرلشکر رحیم صفوی، شهید خرازی و برادران سپاهی موفق به شکست ضدانقلاب و بازگرداندن امنیت به کردستان شد و در این دوران با حسین خرازی آشنا شد و بین شان محبت بسیار به وجود آمد که بعدها در سرنوشت جنگ تحمیلی تأثیر فراوان داشت. با شروع جنگ تحمیلی با وجودی که از مبارزه با ضدانقلاب جرات داشت و با عصا راه می‌رفت عازم پایگاه گلف اهواز شد و با تدبیر و شجاعت موفق شد حصر آبادان را بشکند و با به دست آوردن غنائم فراوان مقدمات تشکیل تیپ ۸ نجف‌آباد را فراهم کرد. در جاده استراتژیک اهواز- خرمشهر در شرایطی سخت و نابرابر با دشمن به صورت استشهادی در کنار حسین خرازی به انبوه لشکریان دشمن در خرمشهر حمله کرد و شهر را محاصره کرد و هزاران نفر از نیروهای دشمن با زیرپوش‌های سفید خود را تسلیم کردند و صدای الله‌اکبر در شهر طنین افکند. او در جنگ‌های مهمی همچون رمضان، محرم، والفجر (۱ و ۲ و ۴ و ۸) و

کربلای (۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶) شرکت کرد؛ و در عملیات خیبر به اتفاق رفیق خود مهدی باکری که به شدت به او علاقه‌مند بود یکی از متهورانه‌ترین صحنه‌های جنگ را به نمایش گذاشت؛ و بر روی جزایر مجنون در عمق هور العظیم با مهدی و حمید باکری دو جزیره مهم نفتی: مجنون شمالی و مجنون جنوبی را از تصرف دشمن درآوردند و در شمال بصره ضربات سنگینی به دشمن وارد کردند، در عملیات بدر با دوستش مهدی باکری بر دشمن تاختند و جاده استراتژیک بصره العماره را قطع کردند اما در این نبرد مهدی باکری با شهادتش احمد را در حسرتی جانسوز فرو برد. در عملیات والفجر ۸ شیمیایی شد در عملیات کربلای ۴ احمد برای غواص‌ها خیلی صحبت کرد و دیدن هم‌زمانش در آخرین لحظات او را به شدت منقلب کرد به طوری که نتوانست جلوی اشک‌هایش را بگیرد و بشدت گریست و همه با او گریستند این صحنه عجیب بود که فرمانده‌ای با صلابت که مثل شیر بر دشمنان می‌تازد چطور این‌گونه در دیدار با دوستان خدا می‌گرید. پس از شهادت دوست صمیمی‌اش باکری از شهادت دوست عزیزش حسین خرازی بسیار متأثر شد.

در اسفند ۱۳۶۶ لشکر هشت نجف به فرماندهی کاظمی مسئول تصرف حلبچه شد اما برای حفظ جان مردم و پرهیز از خوف زنان و کودکان دستور داد هیچ کس حق ورود به شهر را ندارد.

پس از اتمام جنگ در سال ۱۳۷۲ مقام معظم رهبری حکم فرماندهی قرارگاه حمزه سیدالشهدا را به او دادند و شهید کاظمی توانست در توسعه و عمران شمالغرب کشور موفق شود و ضد انقلاب را وادار به تسلیم کند همچنین موفق به گرفتن کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران شد. به خاطر رشادت‌های پیوسته او با حکم مقام رهبری به فرماندهی نیروی هوایی سپاه منصوب گردید و توانست قدم‌های مهمی در این مقطع بردارد. در سال ۱۳۸۴ ایشان با حکم مقام رهبری فرمانده نیروی زمینی سپاه شد و در مراسم تودیعش در نیروی هوایی گفت: دوست داشتم در نیروی هوایی شهید بشوم از خدا می‌خواهم به حق حضرت فاطمه زهرا (س) در نیروی زمینی دوران شهادت ما فرا برسد. سرانجام هم‌زمان با روز عرفه همراه با ده نفر از یارانش در یک سانحه هوایی دلخراش به سوی حضرت حق پرکشید و به دیدار یاران محبوبش حسین خرازی و مهدی باکری شتافت روحشان شاد و یادشان سبز. (جوانبخت، ۱۳۸۹)

جلوه‌های حماسی عرفانی

یک ویژگی که در هیچ یک از فرماندهان عالی ارتش‌های دنیا نمی‌توان یافت و در فرماندهان ما وجود دارد بنیان‌گذار بودن این فرماندهان است: احمد کاظمی خودش با مشقت‌هایی توانست لشکر هشت نجف را تشکیل بدهد و خیلی با لشکر عجین بود به طوری که می‌گفتند لشکر احمد و یا لشکر حسین، احمد کاظمی از سانی متعالی بود که در بیست و دو سالگی مسئولیتی را بر عهده گرفت که در ارتش‌های دنیا به آدم‌های حدود ۵۰-۴۰ پس از طی آموزش‌های طولانی می‌دهند.

محسن رضایی می‌گوید احمد کاظمی به یقین رسیده بود و حُسن اخلاق در او به شکوفایی رسیده بود. شهید قاسم سلیمانی می‌گفت: شهید کاظمی در طراحی، تیزبینی، دوراندیشی و انضباط بی‌نظیر بود احمد دارای ادب و اخلاق حسنه و روحی لطیف داشت و با نیروهایش به مهربانی و رأفت رفتار می‌کرد و در خوراک و پوشاک بسیار قناعت می‌نمود و به ائمه معصومین (ع) ارادت داشت و نسبت به پست و مقام بی‌علاقه بود و دائم آرزوی شهادت می‌کرد. نقش احمد در جمع ما خیلی مهم و برجسته بود. او یادگار همه ارزش‌های ما بود و نادره دوران بود.

من واژگون من واژگون من واژگون رقصیده‌ام

من بی‌سر و بی‌دست‌وپا در خواب خون رقصیده‌ام

(نصراله مردانی)



سردار شهید محمد ابراهیم همت

محمد ابراهیم، ۱۲ فروردین سال ۱۳۳۴ در شهرستان شهرضا به دنیا آمد. مادرش می‌گفت: در پاییز ۱۳۳۳ با همسر و جمعی دوستانم درحالی که ابراهیم را باردار بودم راهی کربلا شدیم راه

بسیار طاقت فرسا بود و حالم خیلی بد شد وقتی به کربلا رسیدیم مرا پیش یک دکتر بردند گفت بچه تلف شده و مقداری قرص نوشت و گفت اگر بچه سقط نشد بیارید عملش کنم حرف‌های او مثل پتکی بر سرم بود ۱۵ روز تمام در رختخواب بودم و لب به هیچ قرص و کپسولی هم نردم و یک شب به همسرم گفتم می‌خواهم بروم حرم و بالاخره مرا به حرم برد با دلی شکسته تا نیمه شب آقا را صدا زدم و شفاعت خواستم پس از برگشت در خواب خانمی را دیدم که بچه‌ای را به من سپرد و گفت بردار و برو وقتی بیدار شدم از خوشحالی زار می‌زدم و مادر شوهرم گفت این خواب یک نشانه است اگر پسر بود اسمش را بگذاریم محمد ابراهیم. دوباره پیش دکتر رفتیم پس از معاینه با تعجب پرسید چه کسی درمانت کرد؟ باید مادر و بچه هر دو تلف شده باشند! همسرم گفت پیش دکتر اصلی رفتیم امام حسین (ع) دکتر که فهمید تمام پول ویزیت را برگرداند و مقداری داروی تقویتی هم برایم نوشت و گفت خیلی مواظب خودتون باشید.

محمد ابراهیم پس از دیپلم در دانشسرای تربیت معلم اصفهان ادامه تحصیل داد و بعد از سربازی در تظاهرات علیه رژیم شرکت کرد و اولین کسی بود که مجسمه شاه را در شهرضا به زیر انداخت و مورد تعقیب ساواک قرار گرفت و مجبور شد به فیروزآباد و یا سوج دوگنبدان، اهواز فرار کند و وقتی به شهرضا برگشت در صدد دستگیریش برآمدند اما ابراهیم خیلی زرنگ تر از این‌ها بود. در سال ۵۸ به کمک دوستانش سپاه شهرضا را پایه‌گذاری کرد و برای فعالیت فرهنگی به خرمشهر، چابهار و کنارک در سیستان و بلوچستان رفت. در سال ۵۹ که نا آرامی‌های کردستان آغاز شده بود به پاوه اعزام شد و به خاطر سابقه کار فرهنگی به مسئولیت تبلیغات و روابط عمومی سپاه منصوب شد و نشریه پیام پاوه را راه انداخت در کنار کارهای فرهنگی هر جا لازم می‌شد می‌جنگید مدتی نگذشت که به خاطر لیاقت‌هایش مسئولیت سپاه پاوه را به عهده گرفت. (گودرزیان، ۱۳۹۱).

جسارت حاج همت در عربستان

حاج احمد متوسلیان می‌گفت: خیال می‌کردم خودم آدم جسوری هستم اما همت روی دست همه ما زده بود، روز تظاهرات در عربستان یک سری از تصاویر کوچک برچسب دار امام

خمینی (ره) را توی جیب خودش گذاشته بود و هر چند یکبار کاغذ پشت آن‌ها را جدا می‌کرد و به طرف یکی از مأموران پلیس می‌رفت و با آن‌ها معانقه می‌کرد تا تصویر حضرت امام را پشت کلاه کاسکت سفید مأمورین بچسباند، صدای خنده مردم بلند می‌شد و پلیس بینوا تعجب می‌کرد به همین ترتیب ۶۰-۵۰ عکس امام را تبلیغ کرد.

ظرفیت‌های شخصیتی شهید همت

همسرش نقل می‌کند: حاجی نمونه واقعی یاران مخلص پیامبر(ص) بود بسیجی‌ها را خیلی دوست داشت در طول دو سال و دو ماه زندگی مشترک قبل از تحویل آخرین سال خواستم که عید را با هم باشیم گفت می‌دانی بسیاری از بچه‌های بسیجی چند ماه است که خانواده‌هایشان را ندیده‌اند بگذار من عذاب وجدان نداشته باشم. یکبار نامه یکی از بسیجی‌ها را دیدم نوشته بود من سر پل صراط جلوی تو را می‌گیرم سه ماه است که به عشق دیدن رؤیت در جبهه‌ها منتظرم. حاجی می‌گفت من گناهی به درگاه خدا کرده‌ام که باید با محبت اینها عذاب پس بدهم مگر من کی‌ام که اینها برای من نامه می‌نویسند. در آخرین دیدارمان حاجی گفت من دارم شهید می‌شوم. با غرور خاصی گفتم محال است که شهید شوی! برای اینکه تو همه کس من هستی این قدر دعا می‌کنم که تو شهید نشوی حاجی گفت می‌دانم تا به حال دعاهای تو مرا نگه داشته و با صدای فرزندم مهدی صورتش را برگرداند دیدم همین طور اشک از چشمانش می‌ریزد و فشار روحی زیادی را تحمل می‌کرد.

دلم گفت باید که همت کنی
ز همت برایم حکایت کنی

حالات عرفانی

یکی از همسنگران همت می‌گوید: نیمه شب بیدار شدم صدای ناله‌ای حزین از سالن به گوش می‌رسید رفتم دیدم حاج همت با یک حالت عرفانی عجیبی نماز شب می‌خواند و به درگاه خدا ناله و گریه می‌کند. همیشه در سخنرانی می‌گفت اگر هر کاری می‌کنید برای خدا باشد پیروزی از آن ما خواهد بود. جنگمان برای خدا باشد و اگر همه چیزمان برای خدا باشد چه بکشیم و چه کشته شویم پیروزیم. مراقبه در رفتار او بسیار چشمگیر بود به طوری که

روایت‌های بسیاری از او نقل شده از جمله: اگر غذای بهتری از بسیجیان برای او می‌آوردند و متوجه می‌شد همان غذا را به بسیجی‌ها نداده‌اند از خوردن آن امتناع می‌کرد. ارتباط معنوی و عرفانی او با خداوند رمز پیروزی او در جبهه‌ها بود روح بزرگ و تقوای حاج همت از او فرمانده‌ای ساخته بود که در عین اینکه صلابتی چون مالک اشتر داشت همه او را دوست داشتند و علاقه‌مند بودند جزو نیروهای او باشند. در یکی از سخنرانی‌ها با وجود تمهیدات لازم یک‌باره حاجی وسط نیروها گیر کرد و فشار رزمندگان باعث شکستن انگشت دست او شد اما حاجی به روی خودش نیامورد. همیشه با اخلاص و ازجان‌گذشته بود به‌طوری‌که یک روز از خط مرزی گذشت و به‌سوی دشمن رفت و در جواب اعتراض به دیگران گفت نیروهای اطلاعاتی باید بدانند که فرماندهشان اولین کسی است که اگر هر جا کار گیر کند پای کار هست و این در حالی بود که هزاران نیرو تحت امرش بودند همیشه می‌گفت باید به خدا توکل داشته باشیم و در بدترین حالات مریضی هم نماز اول وقتش ترک نمی‌شد.

الهی به آنان که پرپر شدند	پر از زخم‌های مکرر شدند
به آنان که همت مثال آمدند	به شوق حریم وصال آمدند
به آنان که چون شمع‌ها سوختند	چراغ شهادت برافروختند

(پرویز بیگی حبیب‌آبادی)

❖ بحث و نتیجه‌گیری

اعتلای فرهنگ دفاع مقدس منوط به گسترش و نفوذ آن در افکار و باور و منش و زندگی مردم است که به شکوفایی ادبیات پایداری منجر می‌شود چنانکه اگر این جهان‌بینی با عقاید افراد جامعه عجین شود می‌توان امیدوار بود که چنین ملتی هرگز خواری شکست و سلطه بیگانه را تحمل نخواهد کرد و همیشه دوران، سرفراز و مستقل و پیروز خواهند ماند، البته لازمه آن شناخت فرهنگ پایداری از طرف آحاد ملت و آشنایی هر چه بیشتر با مرام و سلوک رزم‌آوران دفاع مقدس به‌عنوان طلایه داران مقاومت و ایثار و ظلم ستیزی و شهادت است.

پژوهش حاضر اولاً بنا بر احساس چنین تعهدی اقدام به طرح مباحثی در زمینه عرفان نمود و با معرفی جلوه‌های عرفانی، حماسی نام‌آورترین سرداران شهید استان اصفهان کوشید تا شاید بتوان مواردی از ابعاد معنوی: تزکیه نفس، مراقبه و محاسبه در رفتار و خلق‌وخوی نیک و در مجموع عرفان نظری و عملی این دلوران افتخارآفرین را به تصویر کشاند. ثانیاً کوشید در جهت تبیین ابعاد معنوی این فرماندهان نامدار جنگ تحمیلی و تطبیق مواردی از خصال آن‌ها با مراتب عرفان نظری و عملی مطابق با واقعیات برخورد نموده و درجاتی از احوال و مقامات را که پیوسته در اخلاق و رفتار و کنش و گفتار و عملکرد آن‌ها دیده و تأیید شده و به منصفه ظهور رساند. برای مثال، از مراحل تزکیه نفس شهداء (ذکر) عنوان شد که دایم در حال گفتن ذکر و ادعیه و در فراغت از وظیفه در حال تلاوت قرآن و خواندن نماز شب و تهجد و گور خوابی (برای فراموش نکردن مرگ) بودند و لازمه این حالات داشتن مراقبه و محاسبه بوده که به‌طور قطع در تمام شهدا و در خلق‌وخو و رفتار آن‌ها مشاهده شده بود. تأمل و تفکر در خصال این شهیدان همیشه شاهد که برای پاسداری از ارزش‌های ملی و مذهبی و امنیت کشور، ایثارگری‌ها کردند می‌تواند بهترین سمبل غیرت، تهور و اخلاص و ایمان و استقامت در برابر مشکلات و نیل به اهداف مقدس و شناخت ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها برای جوانان امروز و آنان که جنگ را ندیده‌اند باشد. امید که نام این قهرمانان حماسه‌ساز فقط به‌صورت اسطوره در کتابخانه‌ها نماند بلکه یاد و خاطره والای آن‌ها الگوی جوانان امروز و رهگشای آیندگان باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۷). صحیفه امام خمینی، جلد هیجدهم، تهران: مرکز نشر آثار امام.
- بلندیان، محمد (۱۳۹۴). آقای مدیر (سیره مدیریتی شهید خرازی)، اصفهان: دارخوئین.
- بنی‌لوحی، سیدعلی (۱۳۸۰). شور عاشقی، موسسه فرهنگی دانش، تهران: اندیشه معاصر.
- پناهی، محمود (۱۳۷۸). اخلاق عارفان، چاپ اول، انتشارات روزبه، تهران.
- تمیزی فرد، امیرسعید (۱۳۹۲). دو جلد دانشنامه دفاع مقدس (استان اصفهان)، انتشارات اداره حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- جوانبخت، محمود (۱۳۸۹). حکایت آن مرد آسمانی «خاطراتی از زندگی سردار لشکر پاسدار شهید احمد کاظمی، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- حبیبی، ابوالقاسم (۱۳۹۷). روزشمار جنگ ایران و عراق، کربلای ۵، نگرشی دیگر برای تعیین سرنوشت جنگ، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- حسین النقیب، خالد (۱۳۶۸). حزب بعث و جنگ، مترجم: محمدحسین زوار کعبه، چاپ اول، تهران، سوره مهر.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۹۲). تاریخ تصوف و عرفان، جلد اول، ناشر: تهران: زوار.
- رحیمیان، سعید (۱۳۹۵). مبانی عرفان نظری، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۲). آینه داران آفتاب: زندگی و شهادت یاران اباعبدالله الحسین (ع)، چاپ ششم، تهران: نشر بین الملل.
- عطایی، زینب (۱۳۹۸). شهید خرازی، زیر نظر شورای کارشناسی انتشارات امام حسن (ع).
- غزالی، امام محمد (۱۳۹۳). المنقذ من الضلال، مترجم: ناصر طباطبایی، تهران: نشر مولی.
- فکور، اصغر (۱۳۸۹). شهید خرازی، زیر نظر شورای کارشناسی انتشارات، امام حسن (ع).
- قراگوزلو، غلامحسین (۱۳۷۱). سیمای سرداران شهید اسلام (حاج حسین خرازی)، فرمانده لشکر امام حسین، تهران: دفتر حفظ آثار دفاع مقدس.

نیازی، یحیی، عطایان، نفیسه (۱۳۸۹). مثل من و تو (روایتی از زندگی شهید احمد کاظمی)، تهران: روایت فتح.

گودرزیان، احمد (۱۳۹۱). نیمه پنهان یک اسطوره، تهران: سوره مهر.

مثنوی معنوی، مولوی، تصحیح بهاءالدین خرمشاهی. تهران: دوستان.

مجموعه مقالات (کنگره بزرگ داشت سرداران) بیست‌وسه هزار شهید اصفهان.

مجموعه اشعار سید حسن حسینی، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس.

مجموعه اشعار نصرالله مردانی (۱۳۶۰). قانون عشق، قیام نور، حوزه اندیشه و هنر اسلامی.

مجموعه اشعار، پرویز بیگی حبیب‌آبادی، یاد مردان هور العظیم و فتح المبین.

محمودزاده، نصرت‌الله (۱۳۹۰). عقیق، داستانی مستند از زندگی سردار شهید حسین خزاری.

میرباقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۹۱). پژوهش‌های ادب عرفانی، تأملی بر مبانی تصوف و

عرفان اسلامی، تهران: گوهر گویا.

نعمتی، یعقوب (۱۳۶۲). آماده‌سازی عملیات والفجر ۴، (جنگ ایران و عراق).

یثربی، سیدیحیی (۱۳۸۲). فلسفه عرفان، تحلیلی از اصول و مبانی و مسائل عرفان، موسسه

بوستان کتاب قم.